



مقدمه

حقوق مجاور یا مرتبط با حقوق ادبی و هنری<sup>۱</sup> از مصادیق مهم حقوق در عرصه حقوق مالکیت‌های فکری است. وصف «مجاور» در ترکیب «حقوق مجاور» بیانگر این است که حقوق مزبور در پی حمایت از مدد‌رسانان به آفرینش‌های فکری است و نه خود پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری (زرکلام، ۱۳۸۸: ۲۱۳). پیدایش حقوق مجاور متأثر از دست یافتن بشر به امکانات فنی ضبط صدا و تکثیر آن دانسته شده است. هرچند میان این دو پدیده فاصله‌ای به درازای حدود یک قرن وجود داشته است (Vivant et Bruguière, 2016: 1029). قانون‌گذاران پیشرو در این عرصه مانند نظام تقنینی فرانسه برای گروهی که با نقش آفرینی یا سرمایه‌گذاری خود به آثار ادبی و هنری مدد می‌رسانند، حقوق انحصاری پیش‌بینی کرده‌اند. مقصود از گروه اخیر، هنرمندان مجری و بازیگران، تولیدکنندگان آوانگاشت‌ها و ویدئوگرام‌ها و نیز مؤسسات ارتباطات شنیداری دیداری (سازمان‌های پخش رادیویی)<sup>۲</sup> هستند. هنرمندان مجری، اشخاصی هستند که اثر ادبی یا هنری را اجرا می‌کنند و شامل نوازندگان ارکستر، بازیگران، خوانندگان، نقالان و مانند ایشان است که آثار خلق‌شده توسط دیگری را اجرا می‌کنند (زرکلام، ۱۳۸۸: ۲۱۷-۲۱۸).

اجراکنندگان آثار ادبی و هنری با نقش آفرینی خود و دو گروه دیگر با سرمایه‌گذاری، به ترویج آثار ادبی و هنری کمک می‌کنند. به همین جهت در کنار پدیدآورندگان آثار، برای ایشان نیز نسبت به بهره‌برداری از اجراها، آوانگاشت‌ها و پخش‌ها، حقوق مالی انحصاری پیش‌بینی می‌شود. البته برخلاف پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری، که در کنار حقوق مالی انحصاری، از حقوق معنوی نیز برخوردارند، در عرصه حقوق مجاور، حقوق معنوی منحصراً برای هنرمندان مجری و با توجه به

.....

1. Droits voisins du droit d'auteur/ neighboring rights copyright

برخی نویسندگان (میرحسینی، ۱۳۸۴: ۲۶۰) در این زمینه از اصطلاح «حقوق جانبی» استفاده کرده‌اند.  
 ۲. در معاهده رم اصطلاح سازمان پخش رادیویی (Les organismes de radiodiffusion) به‌کار رفته در حالی که در فرانسه از اصطلاح مؤسسات ارتباطات شنیداری دیداری یا به تعبیری مؤسسات اطلاع‌رسانی صوتی تصویری (des entreprises de communication audiovisuelle) استفاده شده که معنایی فراتر از اصطلاح پیشین دارد (کلمبه، ۱۳۸۵: ۲۰۷).

انعکاس شخصیت ایشان در اجرا، قابل طرح است و دو دسته دیگر صرفاً از حقوق مالی برخوردارند (قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۶: ۲۱۸). در هر حال، حقوق مالی دارندگان حقوق مجاور نیز با محدودیت‌هایی روبروست. این محدودیت‌ها باید مبتنی بر مصالح اجتماعی و حمایت از حقوق بنیادین افراد در جامعه (از قبیل اصل آزادی بیان و اصل آزادی دسترسی به اطلاعات) و نیز مبتنی بر معیارهای روشنی باشد که میان مصالح پیش‌گفته و حقوق مالی دارندگان حقوق مجاور به نحو شایسته‌ای سازش برقرار کند. این پژوهش درصدد است ضمن مطالعه حقوق فرانسه به‌عنوان نظامی پیشرو و در موارد مقتضی بهره‌گیری از اسناد بین‌المللی مرتبط<sup>۱</sup>، وضعیت کنونی حقوق ایران درباره محدودیت‌های حقوق مالی دارندگان حقوق مجاور را نیز تحلیل کند. گفتنی است با توجه به این‌که لایحه حمایت از مالکیت فکری مصوب ۱۳۹۳/۷/۲ هیئت وزیران<sup>۲</sup>، مراحل قانون‌گذاری را در مجلس شورای اسلامی طی می‌کند، لایحه مزبور نیز به مناسبت در این پژوهش نقد و بررسی شده است.

محدودیت‌های حقوق مالی دارندگان حقوق مجاور به دو دسته تقسیم می‌شود. برخی محدودیت‌ها استثناء بر حقوق مالی دارندگان حقوق مجاور به معنی واقعی کلمه است و نیاز به اجازه دارنده حق ندارد و ما به ازایی نیز در قبال آن به شخص اخیر تعلق نمی‌گیرد. در مقابل، برخی دیگر از محدودیت‌ها نیاز به اجازه دارنده حق مجاور ندارد، ولی برای آن ما به ازای منصفانه در نظر گرفته می‌شود.

## ۱. استثنائات حق انحصاری

برخی استثنائات حقوق مالی دارندگان حقوق مجاور ملهم از استثنائات مطرح در حقوق ادبی و هنری است. به‌علاوه در برخی نظام‌ها همچون حقوق فرانسه استثنائات

.....

۱. منظور از اسناد بین‌المللی مرتبط، کنوانسیون رم برای حمایت از اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش‌کننده مصوب ۱۹۶۱، معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری راجع به اجراها و بازی‌ها و آوانگاشت‌ها مصوب ۱۹۹۶ (WPPT) (Traité de l'OMI sur les interprétations et exécutions et les phonogrammes) و معاهده پکن راجع به اجراها و بازی‌های شنیداری دیداری مصوب ۲۰۱۲ (Traité de Beijing sur les interprétations et exécutions audiovisuelles) و نیز دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا است.

۲. از این پس به‌منظور اختصار، از این لایحه با عبارت «لایحه» یا «لایحه حمایت» یاد خواهد شد.



این مقررۀ ملهم از استثنائات عرصه حقوق ادبی و هنری است که در قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ به‌ویژه ماده ۱۱ آن قانون آمده است. به‌علاوه، از آنجا که نسخه‌برداری خصوصی مذکور در مقررۀ مورد بررسی بدون پرداخت هرگونه ما به ازای پیش‌بینی‌شده، استثناء به معنی واقعی کلمه بوده و مشمول محدودیت‌های مبتنی بر مجوزهای اجباری نیست. با این همه، با توجه به این‌که این موضوع در حقوق فرانسه به‌عنوان مجوز اجباری مطرح بوده و در این جستار مسئله نسخه‌برداری خصوصی در مبحث مربوط به مجوزهای اجباری بحث شده، مطالعه تطبیقی مربوط به شرایط نسخه‌برداری خصوصی در همان قسمت صورت خواهد پذیرفت. لایحه حمایت نیز درباره نسخه‌برداری خصوصی و سایر استثنائات ملهم از حقوق ادبی و هنری سخنی نگفته و عملاً این استثنائات را نپذیرفته است. در حقوق فرانسه، استثنائات حقوق انحصاری دارندگان حقوق مجاور غالباً در ماده L.211-3 قانون مالکیت فکری آمده که گاهی دقیقاً با تعابیر یکسان با استثنائات حقوق ادبی و هنری به کار رفته‌اند. به‌اعتقاد برخی (Lucas, 2001: 659) مبنای واحد موجب این شباهت شده است. این استثنائات عبارت‌اند از: ارائه در مجامع خانوادگی، تحلیل و نقل کوتاه، اطلاع‌رسانی در مجلات مطبوعاتی و پخش سخنرانی‌هایی که برای عموم در نظر گرفته شده، استفاده‌های فکاهی و طنزآمیز، اعمال ضروری برای اعمال اصول محاکمات قضایی و اداری و نیز تکثیر موقت. در ادامه ضمن تبیین استثنائات در حقوق فرانسه، دیدگاه حقوق ایران بررسی می‌شود.

### ۱-۱-۱. ارائه در مجامع خانوادگی

بر اساس بند نخست ماده L.211-3 قانون مالکیت فکری فرانسه، «عرضه خصوصی و رایگانی که منحصرأ در محفل خانوادگی صورت گرفته»، از مواردی است که ذینفعان حقوق مجاور نمی‌توانند آن را منع کنند. این استثناء برگرفته از بند نخست ماده L.122-5 است و عباراتی یکسان با آن دارد.

در حقوق ایران در حوزه حقوق ادبی و هنری، به این استثناء تصریح نشده تا منبع الهام باشد لیکن به اعتقاد برخی (صفایی، ۱۳۸۶: ۷۷) می‌توان از ملاک ماده ۱۱ قانون

حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان برای تجویز ارائه اثر ادبی و هنری در مجامع خانوادگی بهره گرفت. توضیح این‌که ماده ۱۱ ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی را برای «استفاده شخصی و غیرانتفاعی» مجاز دانسته است. به اعتقاد ایشان، استفاده شخصی مفهوم وسیع داشته، استفاده خود شخص و خانواده‌اش را در برمی‌گیرد. به‌علاوه، ماده مرقوم فقط ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی را استثنا کرده و تصریحی به اجرا و نمایش مستقیم آثار در محافل خانوادگی ندارد. لیکن در این خصوص نیز می‌توان با استناد به وحدت ملاک، حکم مندرج در ماده مزبور را توسعه داد. استدلال یادشده می‌تواند موجب پذیرش استثناء مورد بررسی در حقوق ادبی و هنری باشد. با این همه پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار ایران با تصریح به استثناء مزبور در حقوق ادبی و هنری ابهام موجود را مرتفع و همین استثنا را در حقوق مجاور پیش‌بینی کند. بنابراین، اصلاح لایحه حمایت که در این زمینه ساکت است نیز شایسته و بایسته است.

#### ۱-۲. تحلیل و نقل کوتاه

بر اساس بند ۳ ماده 3-211 L قانون مالکیت فکری فرانسه، یکی از استثنائات حقوق انحصاری دارندگان حقوق مجاور «تحلیل‌ها و نقل‌های کوتاهی [است] که با توجه به ویژگی انتقادی، جدلی، آموزشی، علمی یا اطلاع‌رسانی اثری که دربردارنده آن تحلیل‌ها و نقل‌های کوتاه است، قابل توجیه باشد». این الفاظ عیناً برگرفته از بند ۳ ماده 5-122 L راجع به حقوق ادبی و هنری است. البته تفاوت دو ماده پیش‌گفته در این است که در ماده 5-122 L برای مجاز بودن نقل از اثر دیگری، شرط شده است که «نام پدیدآورنده و منبع به‌طور روشن ذکر شده باشد». درحالی‌که در ماده 3-211 L این شرط با بیان دیگری مطرح و مقرر شده که «عناصر کافی برای شناسایی منبع» وجود داشته باشد. این تفاوت ریشه در این دارد که در عرصه حقوق مجاور فقط برخی از حقوق معنوی آن هم فقط برای هنرمندان مجری پذیرفته شده است. به‌علاوه، حقوق معنوی در حوزه حقوق مجاور متأثر از الزامات فنی موجود در این حوزه است و این الزامات محدودیت‌هایی را برای اجرای کامل حقوق معنوی فراهم می‌آورد (cf. FIA,

(2013: 36; Vivant et Bruguière, 2016: 1097 et 1109).

از نکات قابل توجه در مورد استثناء نقل در حوزه حقوق مجاور همچون حوزه حقوق ادبی و هنری، این است که این استثناء در قانون فرانسه مقید به اهداف ویژه‌ای شده است. این اهداف که در مواد پیش‌گفته تصریح شده، عبارت‌اند از: اهداف انتقادی، جدلی، آموزشی، علمی یا اطلاع‌رسانی. بنابراین صرفاً در آثاری می‌توان به نقل‌های کوتاه یا تحلیل‌های پیش‌گفته پرداخت که دارای یکی از اهداف یادشده باشند. طبیعی است با توجه به اینکه در مورد استثناء، تفسیر مضیق جاری است، تحلیل‌ها و نقل‌های کوتاه با اهداف دیگری چون اهداف تبلیغاتی و تجاری مجاز نخواهد بود (رک. کرنو و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۹) (Vivant et Bruguière, 2016: 576). در واقع، برای مجاز بودن نقل، هدف از نقل، عنصر تعیین‌کننده است (7: Gaubiac, 1997). در جزء د بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون رم نیز در مقام تجویز استثناء، به قید هدف‌های آموزشی و پژوهشی تصریح شده است.

گفتنی است در صورتی که نقل ناظر به تصویر هنرمند مجری (و نه اجرای وی) باشد، مشمول استثنای پیش‌بینی‌شده در بند ۳ ماده ۳-211 L. قانون مالکیت فکری فرانسه نیست، زیرا تصویر هنرمند مجری ناظر به زندگی و ویژگی‌های شخصی اوست نه نقل از اجرای وی که مثلاً در یک فیلم داشته است (Lucas, 2001: 661). همچنین، حقوق فرانسه در مورد گزارش رویدادهای ورزشی مقررات ویژه‌ای در کد ورزش ۲۰۰۶ و اصلاحات بعدی آن دارد که از حوصله این مقاله خارج است.

در حقوق ایران در حوزه حقوق ادبی و هنری به موجب ماده ۷ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، «نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آن‌ها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به‌صورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ، در حدود متعارف، مجاز است». این استثناء در ماده ۲۵ لایحه حمایت نیز آمده ولی این استثنا را در حقوق مجاور نیآورده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اولاً حق نقل ناظر به آثار انتشاریافته است و ثانیاً نقل باید دارای مقاصد ادبی، علمی، فنی، آموزشی و تربیتی باشد. با توجه به وجود منطق حاکم بر این مقرر در مورد

حقوق مجاور، شایسته است قانون‌گذار با اصلاح لایحه حمایت، این استثنا را در حقوق مجاور نیز بپذیرد.

در زمینه استثنای نقل در حوزه حقوق پدیدآورنده، چند تفاوت میان حقوق ایران و فرانسه وجود دارد. در حقوق فرانسه نقل کوتاه و در حقوق ایران نقل «در حدود متعارف» مطرح شده که مورد اخیر انعطاف بیشتری دارد. در مقابل، در حقوق فرانسه جواز نقل با هدف «اطلاع‌رسانی» نیز تصریح شده و از این جهت منعطف‌تر است. لایحه حمایت در ماده ۲۵ به درستی راه‌حل‌های منعطف فوق را در حقوق ادبی و هنری پذیرفته و مناسب است با همین رویکرد آن را در حقوق مجاور نیز بپذیرد. همچنین، حقوق ایران درباره ضوابط نقل رویدادهای ورزشی فاقد مقررات است و تلقی مسابقات ورزشی به‌عنوان آثار ادبی و هنری مشمول قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (حکمت‌نیا و خوش‌نویس، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۵) با تکلف روبروست. بنابراین وضع مقررات مناسب در این باره شایسته است.

### ۱-۳. مجلات مطبوعاتی و پخش سخنرانی‌هایی که برای عموم در نظر

#### گرفته شده

از استثنائاتی که قانون‌گذار فرانسه در حقوق ادبی و هنری (بند ۳ ماده ۵-122 L.) و حقوق مجاور (بند ۳ ماده 3-211 L.) از آن یاد کرده، استفاده از آثار ادبی و هنری و اجراها در مجلات مطبوعاتی<sup>۱</sup> است. به موجب مقرره اخیر، به شرط ذکر «عناصر کافی برای شناسایی منبع»، صاحبان حقوق مجاور نمی‌توانند مجلات مطبوعاتی را از بهره‌برداری از اجراها منع کنند. البته این مقرره اصطلاح مجلات مطبوعاتی را تعریف نکرده و رویه قضایی آن را تفسیر کرده است. به موجب رأی ۳۰ ژانویه ۱۹۷۸ شعبه کیفری دیوان عالی فرانسه، مجله مطبوعاتی عبارت است از «ارائه به‌هم‌پیوسته تفاسیر و شرح‌های مختلف با روش مقایسه‌ای و با محوریت یک موضوع یا واقعه‌ی واحد که توسط روزنامه‌نگاران انجام می‌شود». برخی (Vivant et Bruguière, 2016: 578) بر مبنای رأی مذکور و با استفاده از آرای دیگر، معتقدند صرف کنار هم گذاشتن تفاسیر و شرح‌های

.....



مختلف بدون مقایسه و تحلیل و نیز ترجمه کامل مقالات مشمول این استثنا نیست. همچنین عنوان مجلات مطبوعاتی محدود به سازمان‌های مطبوعاتی نیست. استثنا محدود به مجلات کاغذی نیز نبوده و مجلات مطبوعاتی بر روی شبکه‌ها را هم دربر می‌گیرد. در نهایت، این‌که دیوان عالی موضوع را محدود به روزنامه‌نگاران کرده برای نویسندگان مذکور قانع‌کننده نبوده زیرا ماهیت مجلات مطبوعاتی بر اساس ماهیت تهیه‌کنندگان آن تعیین نمی‌شود. گفتنی است مشابه استثنای مذکور در جزء ب بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون رم نیز به چشم می‌خورد.

در حقوق ایران ذکری از این استثناء نشده است. البته ماده ۵ قانون مطبوعات «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات» دانسته است. مستنبط از این ماده، انتشار گزیده‌هایی از آثار ادبی و هنری در قالب خبر و اطلاع‌رسانی حق قانونی مطبوعات است. این ماده در مقام بیان استثنائات حقوق ادبی و هنری و حقوق مجاور نیست ولی از عموم آن می‌توان استثنای مذکور را استنباط کرد (رک. صادقی و خلیج، ۱۳۸۶: ۱۴۰). البته استفاده مشمول این ماده باید در چارچوب و ضوابط قانون مطبوعات انجام شود. در لایحه حمایت، برای حقوق مجاور مطلقاً و برای حقوق ادبی و هنری چنین استثنائی وجود ندارد. البته برخی استثنائات با منطق مشابه وجود دارد. طبق ماده ۲۰، «هرگونه مقاله منتشرشده یا اثر پخش‌شده درباره مباحث جاری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و علمی را می‌توان به منظور اطلاع‌رسانی بدون نیاز به کسب اجازه از دارنده حق، تکثیر، منتشر یا پخش کرد، به شرط اینکه صرفاً متضمن جزئی از اثر بوده و دارنده حق به صراحت این حق را برای خود محفوظ اعلام نکرده باشد و مأخذ و نام پدیدآورنده به طور آشکار ذکر شود؛ مگر اینکه اثر بی‌نام باشد». به موجب ماده ۲۱ نیز «پخش جزئی یا نمایش گذری آثار دیگران به‌طور اتفاقی در جریان پخش گزارش شنیداری یا تصویری وقایع جاری، بدون نیاز به موافقت دارنده مجاز است». منطق این مقررات اطلاع‌رسانی و اقتضائات آن است. وجود همین منطق در حقوق مجاور، ایجاب می‌کند قانون‌گذار این استثنا را در حقوق مجاور نیز بپذیرد.



نوشتاری و کاریکاتور از جنس گرافیک دانسته شده است ( Vivant et Bruguère, 2016: 579). البته به اعتقاد بیشتر نویسندگان مالکیت فکری فرانسه، تفکیک میان موارد یادشده اثر عملی نداشته و جملگی موارد مذکور از مصادیق تقلید به معنای عام کلمه است ( Vivant et Bruguère, 2016: 579). گفتنی است که این استثنا در حقوق فرانسه بر مبنای اصل آزادی بیان و در برخی کشورها از جمله امریکا بر اساس اصل استفاده منصفانه توجیه شده است ( Vivant et Bruguère, 2016: 579).

در حقوق ایران نه در قوانین مربوط به حقوق ادبی و هنری و نه در لایحه حمایت سخنی از این نوع استثنا به میان نیامده لیکن اصل آزادی بیان به‌ویژه در مواردی مثل کاریکاتور و طنز که متضمن حق انتقاد است، ایجاب می‌کند که استثناء یادشده در حقوق ایران نیز پذیرفته شود. البته، اعمال این موارد باید با رعایت حقوق مربوط به شخصیت و پرهیز از توهین و افترا و نیز مقررات مربوط به حقوق معنوی آثار ادبی و هنری و اجراها و به طور کلی قواعد مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد.

#### ۱-۵. اصول اعمال ضروری برای اعمال اداری و محاکمات قضایی

طبق ماده 4-331 L الحاقی (سال ۱۹۹۸) به قانون مالکیت فکری فرانسه، حقوق انحصاری دارندگان حقوق مجاور مانعی برای اعمال «ضروری برای انجام یک فرایند قضایی یا اداری پیش‌بینی شده به‌وسیله قانون یا مؤسساتی با هدف امنیت عمومی» نیست. آن‌گونه که برخی از نویسندگان فرانسوی (Pollaud-Dulian, 2005: 505-506) بیان داشته‌اند، در سال ۱۹۹۷ دیوان عالی کشور فرانسه به موجب رأیی این حق را برای صاحب اثر به رسمیت شناخت که به استناد حقوق مالکیت فکری اش از استفاده بدون مجوز از اثر متعلق به خویش در جریان دادرسی به عنوان ابزار اثباتی ممانعت به عمل آورد. توضیح این که در این پرونده، مسئله قرائت اثر منتشرشده در جلسه دادرسی به عنوان دلیل اثباتی بوده است که به استناد حق افشا، مورد اعتراض صاحب اثر قرار گرفته و دیوان عالی کشور آن را تأیید کرده است. قانون‌گذار با تصویب ماده 4-331 L در سال ۱۹۹۸ این رویه قضایی را شکسته و مقرر کرده که نمی‌توان با استناد به حقوق انحصاری، مانع اعمال ضروری برای اعمال اقدامات اداری و رسیدگی‌های قضایی شد.



در حقوق کنونی ایران هرچند تکثیر موقت به‌عنوان استثنای حقوق ادبی و هنری و حقوق مجاور ذکر نشده، لیکن در مجاز بودن آن تردیدی نیست، زیرا تکثیر موقت لازمه بهره‌برداری مشروع از آثار ادبی و هنری و اجراهاست. البته در لایحه حمایت، چنین استثنایی در حوزه حقوق ادبی و هنری در ماده ۲۴ تحت عنوان تکثیر ناپایدار آمده لیکن چنین استثنایی در حوزه حقوق مجاور به چشم نمی‌خورد و شایسته است قانون‌گذار در مقام تصویب لایحه، در مورد حقوق مجاور نیز بدان تصریح کند.

#### ۱-۲. استثناء ویژه ماده 5-3-212L قانون مالکیت فکری فرانسه

به‌موجب ماده 5-3-212L قانون مالکیت فکری فرانسه اصلاحی ۲۰۱۶ (ماده 10-212L سابق)، «در صورتی که اجرا، فرع بر رویدادی باشد که موضوع اصلی یک سکانس از یک اثر یا مستند شنیداری دیداری است، هنرمندان مجری نمی‌توانند بازتولید و ارائه اجرایشان به عموم را ممنوع کنند». مشابه این استثنا، در حقوق ادبی و هنری وجود ندارد. برخی (Pollaud-Dulian, 2005: 949) در مقام تفسیر، این مقرر را ناظر به فرضی می‌دانند که در یک برنامه خبری تلویزیونی یا مجله تلویزیونی، اخبار مربوط به نمایش، تلویزیون، سینما یا دیسک بررسی می‌شود و در آن شکل ویژه‌ای از نقل (یعنی ارائه نسخه‌ها یا تصاویر یک نمایش یا یک فیلم) صورت می‌گیرد. این استثناء نیز بر اساس نیازهای خبری و اطلاع‌رسانی توجیه می‌شود (رک. کلمه، ۱۳۸۵: ۲۲۲) و نمی‌تواند مورد استفاده دیگر از جمله تبلیغات قرار گیرد. این مهم در رویه قضایی نیز مورد تأکید است (Pollaud-Dulian, 2005: 949).

این استثنا مقید به کوتاه یا مختصر بودن نقل نیست. در این مورد ادعا شده که حکم قانون‌گذار با دغدغه احترام به حق عموم نسبت به دسترسی به اطلاعات صورت گرفته است (Lucas, 2001: 353-354; Latil, 2011: 1109; Vivant et Bruguière, 2016: 842). شاید با توجه به همین عدم تقیید و برای تعدیل آن، بر ویژگی فرعی بودن اجرا نسبت به رویداد تأکید شده است، زیرا اگر نقل مختصر نبوده و فرعی نیز نباشد، با



رادیویی آوانگاشت تجاری. قبل از تبیین مصادیق مجوز قانونی باید گفت؛ با توجه به استثنا بودن مجوزهای اجباری و لزوم تفسیر مضیق آن، باید به موارد مصرح قانونی بسنده کرد (رک. کرنو و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۸). به علاوه، موارد اعمال اجباری حق انحصاری صرفاً ناظر به حقوق انحصاری هنرمندان مجری و تولیدکنندگان آوانگاشت بوده، مؤسسات ارتباطات شنیداری دیداری را در بر نمی‌گیرد (Pollaud-Dulian, 2005: 977). در واقع، شمول مجوزهای قانونی بر این مؤسسات موجب زیان ناروا به منافع مشروع ایشان بوده و مصداق سوءاستفاده از دستاورد دیگری و مشمول دعوی سوءاستفاده متقلبانه (Le parasitisme) است (cf. Vivant et Bruguière, 2016: 1171-1172). (برای ملاحظه شرایط این دعوی رک. ماسنانی، ۱۳۹۳: ۶۶-۸۷).

#### ۱-۲-۱. نسخه برداری خصوصی

جزء الف بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون رم، به کشورهای عضو اجازه استثنا کردن استفاده خصوصی از حمایت‌های مقرر در کنوانسیون را داده است. در فرانسه، همان‌گونه که به موجب ماده L.122-5 قانون مالکیت فکری در حقوق ادبی و هنری، نسخه برداری خصوصی مجاز دانسته شده، در حوزه حقوق مجاور نیز استثنای مشابه با اندک تفاوت عبارتی وجود دارد. البته کپی برداری خصوصی در حقوق ادبی و هنری یک استثنای واقعی بوده و اصولاً فاقد مابه‌ازاء است، ولی کپی برداری خصوصی در حقوق مجاور در مقابل مابه‌ازاء است. قانون‌گذار فرانسه در ماده L.211-3 قانون پیش‌گفته مقرر کرده که دارندگان حقوق مجاور نمی‌توانند از نسخه برداری خصوصی که صرفاً برای استفاده نسخه بردار در نظر گرفته شده و هدف آن بهره برداری گروهی و تجاری نیست، ممانعت کنند. مستنبط از صدر ماده L.211-3، این محدودیت ناظر به همه دارندگان حقوق مجاور اعم از هنرمندان مجری، تولیدکنندگان آوانگاشت‌ها و ویدئوگرام‌ها و مؤسسات ارتباطات شنیداری دیداری است. البته از آن جایی که برای مؤسسات ارتباطات شنیداری دیداری حقی نسبت به مابه‌ازاء ناشی از نسخه برداری خصوصی شناخته نشده، در خصوص ایشان کپی خصوصی استثنای واقعی نسبت به حقوق انحصاری است. در توجیه این محدودیت می‌توان گفت تجویز کپی برداری







حق انحصاری ناشی از آوانگاشتی است که با اهداف تجاری منتشر و به طریق قانونی تهیه شده باشد. بنابراین در مورد آوانگاشتی که با هدف تجاری منتشر نشده، اجرا نمی‌شود. آن گونه که برخی (Lucas, 2001: 664) مطرح کرده‌اند، مقصود از انتشار بر اساس بند د ماده ۳ کنوانسیون رم، عبارت است از «در اختیار عموم گذاشتن نسخه‌های آوانگاشت در کمیت کافی». استفاده از کلمه «نسخه‌ها» در این مقرر، گسترش مجوز قانونی به فروشی که در آن‌ها آوانگاشت بر حسب تقاضا از راه شبکه‌های دیجیتال انتقال داده شده را با تردید روبرو می‌کند. به موجب ماده ۱۵. ۴ معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری راجع به اجراها، بازی‌ها و آوانگاشت‌ها نیز «آوانگاشت‌هایی که در اختیار عموم گذاشته شده خواه با سیم یا بدون سیم به گونه‌ای که هر شخصی بتواند در مکان و زمانی که برمی‌گزیند به صورت انفرادی به آن دسترسی داشته باشد، فرض می‌شود که انتشار یافته با اهداف تجاری است». بنابراین، مواردی که آوانگاشت بر حسب تقاضا برای شخص ارسال می‌شود، مشمول مفهوم یادشده نیست ( Cf. Vivant et Bruguère, 2016: 1121).

در توجیه استثنائات مذکور در ماده L.214-1 گفته شده ( Vivant et Bruguère, 2016: 1116-1117 et 1156) که هنرمند مجری و تولیدکنندگان آوانگاشت‌ها امکان عملی مقابله با توزیع اجراهایشان را ندارند. بنابراین، قانون‌گذار با پیش‌بینی مابه‌ازای منصفانه، استثنائات یادشده را پذیرفته است. در هر حال با توجه به بند نخست ماده فوق، آوانگاشت می‌تواند مستقیماً در یک مکان عمومی از قبیل مرکز تجاری یا رستوران پخش شود. البته اگر آوانگاشت یادشده در یک نمایش استفاده شود (مانند استفاده برای صداگذاری یک قطعه از تئاتر)، تجویز مذکور جاری نیست (Lucas, 2001: 664). در مورد مصادیق مکان عمومی نیز دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در رأی مورخ ۱۵ مارس ۲۰۱۲ سالن انتظار یک دندان‌پزشکی را به دلیل کم تعداد بودن اشخاص حاضر در آن، از مصادیق مکان عمومی ندانسته است (Vivant et Bruguère, 2016: 1120). همچنین با توجه به استثنایی بودن مجوز اجباری، نمی‌توان آن را به ویدئوگرام‌ها توسعه داد. درج آوانگاشت‌ها در ویدئوگرام‌ها نیز مجاز نیست (Pollaud-Dulian, 2005: 951 et 970-971).

به‌علاوه، بر اساس روح قانون در شمول استثنا بر نوارهای صوتی آثار شنیداری دیداری که البته مشمول عنوان آوانگاشت هستند، تردید شده است مگر این‌که نوارهای صوتی یادشده به‌صورت جداگانه منتشر شده و مستقل از اثر شنیداری دیداری باشد (Lucas, 2001: 664).

بر اساس بند دوم ماده L.214-1 پخش رادیویی آوانگاشت و نیز توزیع کابلی کامل و همزمان آن، تجویز شده است. با اصلاحات ۲۰۰۶ قانون مالکیت فکری فرانسه، بازتولید آوانگاشت‌ها نیز فقط در مورد پخش رادیویی با رعایت شرایط مذکور در متن ماده تجویز شده و با اصلاحات ۲۰۱۶ نیز این وضعیت باقی است. در حالی که قبل از اصلاحات یادشده، عمل مذکور در متن ماده تصریح نشده و برخی آرای قضایی ( Paris, 29 septembre 1999, RIDA, juillet 2000: 402; Paris, 7 avril 1994, RIDA, avril 1995: 354 ) و بعضی نویسندگان (Pollaud-Dulian, 2005: 971; Lucas, 2001: 666) با تفسیر مضیق، آن را نمی‌پذیرفتند ولی در مقابل برخی محاکم ( Paris, 29 mai 2002; 27 septembre 2002, cité par Pollaud-Dulian, 2005: 971 ) بازتولید یادشده برای تسهیل پخش رادیویی را تجویز می‌کردند. اصلاح قانون مالکیت فکری فرانسه مبنی بر تجویز بازتولید آوانگاشت‌ها هماهنگ با اختیاری است که جزء ج بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون رم و فقره د بند ۲ ماده ۵ دستورالعمل ۲۲ می ۲۰۰۱ درباره حقوق پدیدآورنده و حقوق مجاور در جامعه اطلاعاتی به کشورهای عضو داده است.

تفسیر مضیق بند ۲ ماده L.214-1 نیز ایجاب می‌کند که مجوز بهره‌برداری قانونی صرفاً ناظر به ارسال رادیویی آوانگاشت‌های تجاری باشد و پخش فایل‌های ویدئویی و محتوای آن مشمول استثنا نباشد. بنابراین، هنگامی که حامل استفاده‌شده برای پخش رادیویی، خود آوانگاشت تجاری نیست بلکه یک ویدئوگرام مشتمل بر آوانگاشت است مانند یک «ویدئو موزیک»، مشمول استثنای نیست. دیوان عالی فرانسه نیز در ۱۶ نوامبر ۲۰۰۴ مجوز قانونی را شامل پخش رادیویی آوانگاشت مندرج در ویدئوگرام ندانسته است ( Vivant et Bruguière, 2016: 1164 ). گفتنی است، پخش‌های دیجیتال مشمول عنوان پخش رادیویی نبوده، از شمول مجوز قانونی پخش رادیویی خارج‌اند. البته در

پیشینه قانون‌گذاری فرانسه پیشنهادهایی برای گسترش مجوز اجباری به پخش‌های دیجیتال مطرح شده، لیکن در اصلاحات ۲۰۰۶ و پس از آن در اصلاحات ۲۰۱۶ راه نیافته است (Vivant et Bruguière, 2016: 1121).

به موجب بند سوم ماده L.214-1 اصلاحی ۲۰۱۶ قانون مالکیت فکری فرانسه، ارائه به عموم به وسیله یک سرویس رادیویی مجاز دانسته شده است به شرطی که برنامه اصلی سرویس رادیویی مذکور برگرفته از آوانگاشت مورد نظر نباشد. در واقع، استفاده از آوانگاشت در برنامه‌های رادیویی در فرضی که آوانگاشت تشکیل‌دهنده جزئی از برنامه‌های خاص سرویس رادیویی باشد مجاز است.

در متون قانونی ایران استثنایی با عنوان «ارائه مستقیم در یک مکان عمومی و پخش رادیویی آوانگاشت تجاری» مشاهده نمی‌شود لیکن لایحه حمایت، آن را به صورت ضمنی پذیرفته است، زیرا بر اساس ماده ۶۳ لایحه، «چنانچه حامل شنیداری که برای مقاصد تجاری منتشر شده است یا نسخه تکثیر چنین حاملی به طور مستقیم در پخش رادیو تلویزیونی یا سایر روش‌های ارسال عمومی بکار رود یا برای عموم به اجرا درآید، استفاده‌کننده باید اجرت عادلانه‌ای به تولیدکننده حامل شنیداری بپردازد». هرچند این ماده در مقام بیان تکلیف مابه‌ازای عادلانه است، لیکن به طور ضمنی پخش مستقیم رادیو تلویزیونی حامل شنیداری یا نسخه تکثیرشده آن و نیز پخش آن از سایر روش‌های ارسال عمومی را تجویز کرده است. این استثنا ناظر به حامل‌های شنیداری است که برای مقاصد تجاری منتشر شده باشد و با توجه استثنایی بودن آن، نمی‌توان حکم مزبور را به حامل‌های شنیداری دیداری توسعه داد.

## ۲-۲. حق بر مابه‌ازاء

در حقوق فرانسه، مابه‌ازاء منصفانه که هدف از آن، جبران ضررهای ناشی از مجوز قانونی است، در مورد انواع مختلف مجوز اجباری، احکام یکسانی ندارد. از این رو، این حق در مصادیق مختلف مجوز اجباری به تفکیک بررسی می‌شود. در حقوق موضوعه ایران مقررات ویژه‌ای در این خصوص به چشم نمی‌خورد. لیکن حکم مندرج در لایحه

حمایت در مورد حق اجرت عادلانه مربوط به پخش رادیو تلویزیونی یا سایر روش‌های ارسال عمومی آوانگاشت تجاری بررسی خواهد شد.

### ۲-۱. حق بر مابه‌ازاء نسبت به کپی‌برداری خصوصی

در فرانسه هنرمندان مجری و تولیدکنندگان آوانگاشت‌ها یا ویدئوگرام‌ها همانند پدیدآورندگان، حق بر مابه‌ازاء بابت کپی خصوصی دارند ولی مؤسسات ارتباطات شنیداری دیداری ذی‌نفع این حق نیستند و در مورد ایشان نسخه‌برداری خصوصی، استثنایی واقعی بر حقوق انحصاری ایشان است. نیز ماده 1-311.L در مقام بیان ذینفعان حق بر مابه‌ازاء، از این گروه سخن به میان نیاورده است.

در مورد متعهد پرداخت، استفاده‌کنندگان از کپی خصوصی متعهد مستقیم پرداخت مابه‌ازاء نیستند. زیرا این امر دشواری‌هایی داشته، در عمل شناسایی کپی‌کنندگان و کنترل کپی‌برداری‌ها مشکل است. برای حل مشکل، در ماده 4-311.L قانون مالکیت فکری فرانسه، این تکلیف به عهده تولیدکنندگان و واردکنندگان حامل‌های خام گذاشته شده و ایشان ملزم شده‌اند، در زمان ورود این حامل‌ها به عرصه تجارت، نسبت به پرداخت مابه‌ازای یادشده اقدام کنند. این شیوه نوعی دریافت غیرمستقیم مابه‌ازاء از استفاده‌کنندگان است، زیرا تأمین‌کنندگان حامل‌ها این هزینه را در قیمت نهایی فروش وارد می‌کنند.

برای چگونگی تعیین مابه‌ازاء، در ماده 5-311.L قانون مالکیت فکری فرانسه اصلاحی ۲۰۱۶، کمیسیون ویژه‌ای پیش‌بینی شده که ریاستش با نماینده‌ای از دولت است. نیمی از اعضای آن اشخاصی هستند که به‌وسیله سازمان‌هایی معرفی می‌شوند که نمایندگی ذینفعان حق مابه‌ازاء را دارند. یک چهارم از اعضا نیز توسط سازمان‌هایی معرفی می‌شوند که نماینده تولیدکنندگان و واردکنندگان حامل‌های خام هستند. یک چهارم دیگر از اعضا نیز توسط سازمان‌هایی تعیین می‌شوند که نماینده مصرف‌کنندگان هستند. این کمیسیون در خصوص انواع حامل‌های یادشده، نرخ حق امتیاز یا مبلغی که باید پرداخت شود و نیز شیوه‌های پرداخت، تصمیم می‌گیرد و تصمیماتش در روزنامه رسمی منتشر می‌شود.



متعلق به هر دو گروه دانسته است (84-85: 2002, Ficsoror, cf.). بند ۲ ماده ۸ دستورالعمل ۱۹ نوامبر ۱۹۹۲ اتحادیه اروپا و بند ۲ ماده L.214-1 قانون فرانسه نیز حق بر مابه‌ازاء را برای هر دو گروه پذیرفته‌اند. ماده L.214-2 اصلاحی ۲۰۰۶ نیز ضمن محدود کردن حق بر مابه‌ازاء به هنرمندان مجری و تولیدکنندگان آوانگاشت‌ها، تصریح کرده که با رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی و اصل عدم تبعیض اتحادیه اروپا، این حق متعلق به اجراکنندگان و تولیدکنندگان آوانگاشت‌هایی است که برای اولین بار در اتحادیه اروپا تثبیت شده باشند. شناسایی حق مابه‌ازاء در سایر موارد نیازمند توافق مبنی بر رفتار متقابل است (1125: 2016, Vivant et Bruguière, cf.). متعهد پرداخت مابه‌ازاء اشخاصی هستند که اقدام به ارائه مستقیم آوانگاشت در یک مکان عمومی یا پخش رادیویی آن می‌کنند.

تعیین مابه‌ازاء در حقوق فرانسه اصولاً تابع نظام مشارکت نسبی بوده، ذینفعان در نسبتی از عواید سهم هستند. البته در مواردی که مشارکت نسبی عملی نباشد، مابه‌ازاء به صورت مقطوع است (952: 2005, Pollaud-Dulian) و برای تعیین مصادیق آن بند ۴ ماده L.214-1 به ماده L.131-4 ارجاع می‌دهد. بر اساس بندهای چهارگانه ماده اخیر، زمانی که پایه‌ای برای محاسبه مابه‌ازای نسبی وجود ندارد (به‌ویژه به دلیل اینکه عوایدی وجود ندارد مانند پخش در راهرو هتل)، زمانی که ابزار محاسبه و کنترل وجود ندارد یا هزینه‌های محاسبه و کنترل با عواید حاصل نامتناسب است یا زمانی که ماهیت یا شرایط بهره‌برداری، اجرای اصل را غیرممکن می‌کند، مبلغ مقطوع می‌تواند پذیرفته شود.

در حقوق فرانسه، تعیین مابه‌ازاء و شیوه‌های پرداخت آن در مواد L.214-3 و L.214-4 آمده است. وفق این مواد، تصمیم‌گیری در این مورد بدواً مبتنی بر توافق‌های جمعی مربوط به هر شاخه از فعالیت است و میان مؤسساتی منعقد می‌شود که برحسب مورد نماینده استفاده‌کنندگان، تولیدکنندگان و هنرمندان مجری هستند. در صورت حصول توافق‌های یادشده، مدت اعتبار آن وفق بند ۴ ماده L.214-3، یک تا پنج سال است. بر اساس ماده L.214-4 اصلاحی ۲۰۱۶، در صورت فقدان توافق،

کمیسیون ویژه‌ای به ریاست نماینده‌ای از جانب دولت عهده‌دار این مسئولیت است. اعضای دیگر کمیسیون دو دسته با تعداد مساوی هستند که دسته‌ای توسط سازمان‌های نماینده ذینفعان مابه‌ای و گروهی توسط سازمان‌های نماینده استفاده‌کنندگان از آوانگاشت‌ها تعیین می‌شوند. سازمان‌های یادشده و تعداد افرادی که معرفی می‌کنند، به‌موجب آیین‌نامه مصوب وزیر فرهنگ تعیین می‌شود. تصمیم‌گیری در این کمیسیون با اکثریت اعضای حاضر بوده و در صورت تساوی آراء، نظر رئیس تعیین‌کننده خواهد بود. تصمیمات کمیسیون در روزنامه رسمی جمهوری فرانسه منتشر می‌شود.

در هر حال، بر اساس بند ۵ ماده L214-1 عواید حاصل به نسبت مساوی میان دو گروه تولیدکنندگان و هنرمندان مجری توزیع می‌شود. البته، به دلیل عدم شمول مجوز اجباری ارائه مستقیم در یک مکان عمومی و پخش رادیویی آوانگاشت تجاری بر پدیدآورندگان، ایشان در عواید مذکور سهم نیستند.

شیوه دریافت و تقسیم مابه‌ای در مورد این نوع مجوز اجباری نیز تابع اداره جمعی است. حسب مواد L.214-1 و L.214-5، مابه‌ای به‌وسیله استفاده‌کننده آوانگاشت به شرکت‌های اداره جمعی پرداخت شده و این شرکت‌ها آن را به نسبت‌های مساوی میان تولیدکنندگان و هنرمندان مجری بازتوزیع می‌کنند.

مقررات لایحه حمایت در مورد مابه‌ای مختصر بوده و فقط از اصل اجرت عادلانه به‌عنوان مابه‌ای پخش رادیو تلویزیونی و سایر روش‌های ارسال عمومی سخن گفته و تکلیف پرداخت آن را به عهده پخش‌کننده و ارسال‌کننده گذاشته است. به‌موجب تبصره ۱ ماده ۶۳ «پنجاه درصد از اجرت مذکور به اجراکننده پرداخت می‌گردد، جز در مواردی که خلاف آن بین اجراکننده و تولیدکننده حامل شنیداری توافق شده باشد». تبصره ۲ این ماده نیز مدت حمایت از حق بر مابه‌ای را تا پایان دهمین سال کامل پس از سال انتشار حامل شنیداری دانسته است. البته این مقرر از جهات مختلف ناقص بوده، شایسته تکمیل است، زیرا شیوه تعیین مابه‌ای مشخص نشده و معلوم نیست که آیا اجرت عادلانه باید مقطوع باشد یا نسبتی از عواید است. همچنین مرجع تعیین مابه‌ای و شیوه وصول آن نیز مشخص نشده است. بدیهی است



بهره‌برداری از دستاوردهای سایر نظام‌های حقوقی در خصوص مسائل پیش‌گفته و البته هماهنگ‌سازی آن با اقتضائات حقوقی و فرهنگی داخلی شایسته و بایسته است.

### نتیجه‌گیری

در حقوق فرانسه بر پایه مبانی همچون اصل آزادی بیان و اصل آزادی دسترسی به اطلاعات و نیز با تمسک به برخی اسناد بین‌المللی، محدودیت‌هایی بر حقوق مالی انحصاری دارندگان حقوق مجاور وضع شده است. برخی محدودیت‌ها ماهیتاً استثنا بر حقوق انحصاری است و دارندگان حقوق مجاور نمی‌توانند آن را منع کرده یا انتظار مابه‌إزاء بابت آن داشته باشند. در برخی دیگر از محدودیت‌ها دارندگان حقوق مجاور نمی‌توانند آن را منع کنند ولی بابت آن حق مابه‌إزای منصفانه دارند. دسته نخست شامل استثنائاتی است که عمدتاً ملهم از استثنائات مطرح در حقوق ادبی و هنری است. این موارد عبارت است از: ارائه در مجامع خانوادگی، تحلیل و نقل کوتاه، استثناء مربوط به اطلاع‌رسانی در مجلات مطبوعاتی و پخش سخنرانی‌هایی که برای عموم در نظر گرفته شده، استثناء مربوط به استفاده‌های فکاهی و طنزآمیز، استثناء مربوط به اعمال ضروری برای اعمال محاکمات قضایی و اداری و تکثیر موقت. علاوه بر استثنائات یادشده که به گونه‌ای مشابه با استثنائات مطرح در حقوق مالی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و ملهم از آن است، قانون‌گذار فرانسه ارائه تصاویر یک نمایش یا یک فیلم در برنامه‌های خبری تلویزیونی یا مجله تلویزیونی برای تأمین نیازهای خبری و اطلاع‌رسانی را نیز مجاز دانسته که این استثنا صرفاً در مورد حقوق مالی دارندگان حقوق مجاور مطرح است. دسته دوم محدودیت‌ها (مجوزهای اجباری) شامل کپی‌برداری خصوصی و ارائه مستقیم آوانگاشت‌های منتشرشده و پخش رادیویی آن است. در حقوق فرانسه مقررات مفصلی در مورد شیوه تعیین، دریافت و تقسیم مابه‌إزاء وجود دارد و دریافت و توزیع مابه‌إزاء تابع اداره جمعی اجباری است. این دسته از محدودیت‌ها (به عنوان مجوز اجباری)، در حقوق ادبی و هنری مطرح نیست؛ البته کپی‌برداری خصوصی استثنایی بر حقوق مالی پدیدآورنده بدون در نظر گرفتن مابه‌إزاء

مورد پذیرش قرار گرفته است و از این حیث تفاوت مهمی میان محدودیت‌های حقوق ادبی و هنری و حقوق مجاور وجود دارد.

در حقوق ایران در شرایط کنونی مسئله حقوق مجاور و استثنائات آن با عنوانی مستقل مطرح نشده لیکن از برخی مصادیق حقوق مجاور در قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی حمایت شده و تنها از کپی‌برداری خصوصی به‌عنوان استثنا یاد شده است بدون این‌که سخنی از مابه‌إزاء به میان آید. شمول قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان بر حقوق مجاور و استثنائات مربوط به آن نیز محل تردید است. البته شاید بتوان با استناد به وحدت ملاک استثنائات عرصه حقوق ادبی و هنری و تمسک به عموم و اطلاق برخی مقررات خاص مانند قانون مطبوعات، برخی استثنائات را در زمینه حقوق مجاور نیز پذیرفت. در هر حال، خلاءهای قانونی و نیاز به وضع مقررات جدید در این خصوص کاملاً مشهود است. لایحه حمایت نیز به‌رغم پیش‌بینی حقوق مجاور، از استثنائات آن سخنی نگفته و فقط در یک مورد از مجوز اجباری برای پخش عمومی آوانگاشت منتشرشده و مابه‌إزای عادلانه مربوط به آن سخن گفته که روشن و کافی نیست. بنابراین پیشنهاد می‌شود در فرایند تصویب لایحه، با الهام از استثنائات حقوق ادبی و هنری و منطق حاکم بر آن، درباره حقوق مجاور نیز در موارد مقتضی استثنائات مشابه پذیرفته شود. در مورد کپی‌برداری خصوصی نیز با توجه به دشواری مقابله عملی با آن، پذیرش مجوز اجباری با منافع خصوصی صاحبان حقوق و در مواردی مصالح عمومی جامعه، سازگارتر است. به‌علاوه اتخاذ تدابیری جهت شیوه تعیین، دریافت و تقسیم مابه‌إزای منصفانه توسط قانون‌گذار بایسته است. مدل ارائه‌شده در مقاله با لحاظ اقتضائات حقوقی و فرهنگی داخلی راهگشا است.

## منابع

### الف. فارسی

- امامی، اسدالله (۱۳۸۶) *حقوق مالکیت معنوی*، ج ۱، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چ ۱.  
 آزادبگی، سمیه (۱۳۹۲) «بررسی حقوق هنرمندان مجری در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران»،

- فصلنامه حقوق پزشکی، دوره هفتم، ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری، صص ۶۳-۹۴.
- حیبی مجنده، محمد (۱۳۹۴) **حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر، تعامل‌ها و تعارض‌ها، قم:** انتشارات دانشگاه مفید، چ ۱.
- حیبیا، سعید و شاکری، زهرا (۱۳۹۲) «سه‌گام؛ آزمونی فراروی مصرف‌کنندگان آثار ادبی و هنری»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۶۱، صص ۲۰۹-۲۴۸.
- حکمت‌نیا، محمود و خوش‌نویس، ام‌الله (۱۳۸۸) «مصادیق حقوق مالکیت فکری در صنعت ورزش»، **حقوق اسلامی**، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۲۷-۱۵۸.
- زرکلام، ستار (۱۳۸۸) **حقوق مالکیت ادبی و هنری**، تهران: انتشارات سمت، چ ۲.
- زرکلام، ستار (۱۳۹۶) «ساختار و نقش شرکت‌های مدیریت جمعی در حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار و مجریان در حقوق فرانسه»، **پژوهش حقوق خصوصی**، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۸۱-۱۰۰.
- صادقی، محمود و خلج، یوسف (۱۳۸۶) «حمایت از مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در محیط مجازی»، **مجله فقه و حقوق**، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۱۵-۱۴۴.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۶) «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» **مندرج در حقوق مدنی و حقوق تطبیقی**، تهران، نشر میزان، چ ۲.
۱۰. قاسمی، حیبیه، قبولی درافشان، سید محمد مهدی و محسنی، سعید (۱۳۹۵) «مطالعه تطبیقی شرایط و قلمرو نقل اثر دیگری (با تأکید بر حقوق ایران و فرانسه)»، **مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۴۶، شماره ۴، صص ۵۷۲-۵۵۳.
- قبولی درافشان سید محمد مهدی و محسنی، سعید (۱۳۹۶) «حمایت از حقوق معنوی هنرمندان مجری اثر در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی»، **حقوق خصوصی**، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۲۱۷-۲۳۹.
- کرنو، ماری و همکاران (۱۳۹۰) **فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی‌رایت**، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی و پژمان محمدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کلمبه، کلود (۱۳۸۵) **اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان**، ترجمه علی‌رضا محمدزاده وادقانی، تهران، نشر میزان.
- ماسنانی، ملیحه (۱۳۹۳) **رقابت مکارانه در حقوق ایران و فرانسه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

دانشگاه فردوسی مشهد.

میرحسینی، سیدحسین (۱۳۸۴) **مقدمه‌ای بر مالکیت معنوی**، تهران: نشر میزان، چاپ اول.  
میرحسینی، سیدحسین (۱۳۸۵) **فرهنگ حقوق مالکیت معنوی**، ج ۲، تهران: میزان، چاپ اول.

#### - قوانین و مصوبات

قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶.  
قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱.  
قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲.  
لایحه حمایت از مالکیت فکری مصوب ۱۳۹۳/۷/۲ هیئت وزیران جمهوری اسلامی ایران.

#### ب. انگلیسی

- Balsan, Laurie (2007), **Les sociétés de gestion collective: contribution à l'étude du lien entre sociétés et auteurs ou artistes-interprètes adhérents**, Thèse de doctorat de droit des affaires, Université Jean Moulin Lyon 3.
- Bitan, Hubert (2010), **Droits des créations immatérielles: Logiciels, bases de données, autres oeuvres sur le Web 2. 0**, Rueil-Malmaison, Lamy, 11 mars 2010
- Buydens, Mireille et Dusollier, Séverine, **Les exceptions au droit d'auteur: évolutions dangereuses**, available at: [www.crid.be/pdf/public/4074.pdf](http://www.crid.be/pdf/public/4074.pdf) (last visited: 2018/7/26)
- Code de la propriété intellectuelle 1992 (2016).
- Code du sport 2006.
- Convention internationale sur la protection des artistes interprètes ou exécutants, des producteurs de phonogrammes et des organismes de radiodiffusion (faite à Rome le 26 octobre 1961).
- Dieg, Mahmadane (2012), **Exceptions au droit d'auteur et mesures techniques de protection**, Thèse de doctorat en droit privé, Université Panthéon-Assas.
- Directive 2001/29/CE du Parlement européen et du Conseil du 22 mai 2001 sur l'harmonisation de certains aspects du droit d'auteur et des droits voisins dans la société de l'information.
- FIA (Fédération Internationale des Acteurs) (2013), **Les droits moraux des artistes interprètes et exécutants**; available at: <http://www.fia-actors.com>.

- com/uploads/FR-Moral-Rights-Spread%20version%20F.pdf/last visited 12/2/2018
- Ficsoror, Mihály (2002), **La gestion collective du droit d'auteur et des droits connexes**, Genève, Organisation mondiale de la propriété intellectuelle
- Gaubiac, Yves (1997), La liberté de citer une oeuvre de l'esprit, **Revue Internationale du Droit d'Auteur (RIDA)**, No 171, p.3-77.
- Hajdú, Dóra (2016), **La gestion collective des droits des auteurs: ses formes imposées par la loi hongroise et française**, thèse de doctorat, Université Paris-Saclay, UFR Droit ° Économie ° Gestion.
- Latil, Arnaud (2011), **Création et droits fondamentaux**, Thèse de doctorat de droit privé, Université Jean Moulin-Lyon 3.
- Loi n° 86-1067 du 30 septembre 1986 relative à la liberté de communication (Loi Léotard) Version consolidée au 22 juillet 2018.
- Lucas, A. et H.-J. (2001), **Traité littéraire et artistique**, Litec, 2<sup>e</sup> éd.
- Piñe, Dariusz (2016), **La crise des exceptions en droit d'auteur: étude paradigmatique**, Thèse, Université d'Orléans, École doctorale Sciences de l'Homme et de la Société.
- Pollaud-Dulian, Frédéric (2005), **Le droit d'auteur**, Paris, Economica.
- Stathoulas, Antoine (2015), **De l'équilibre: contribution à l'étude du droit d'auteur**, Thèse de doctorat de droit, Université Lille 2.
- Traité de Beijing sur les interprétations et exécutions audiovisuelles adopté à Beijing, le 24 juin 2012.
- Traité de l'OMPI sur les interprétations et exécutions et les phonogrammes (WPPT) (adopté à Genève le 20 décembre 1996).
- Vivant, Jean-Michel et Bruguière, Michel (2016), **Droit d'auteur et droits voisins**, Dalloz, 3<sup>e</sup> éd.